فهرست

[مقوله مهم در گناه‌شناسی 2](#_Toc100927945)

[بررسی نکات تکمیلی مهم 3](#_Toc100927946)

[نکته اول: معرفة النفس 3](#_Toc100927947)

[نکته تکمیلی مهم: ارزیابی خود و دیگران 6](#_Toc100927948)

[قواعد ارزیابی خود و دیگران 6](#_Toc100927949)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

**الحمد لله بجمیع محامده کلها علی جمیع نعمائه کلها، و صلاة و السلام علی سیدنا و نبینّا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الامجد ابی القاسم محمد و علی آله شجرة النبوة و موضع الرساله و مختلف الملائکه و معدن العلم و اهل بیت الوحی صلواتک علیهم اجمعین**

**ربنا علیک توکلنا و الیک أنبنا و إلیک المصیر**

از خداوند متعال مسئلت داریم که ما را آماده درک بهرهای وافر و فیوضات فراوان ماه مبارک مخصوصاً دهه آخر و به ویژه شبهای قدر بفرماید.

# مقوله مهم در گناه‌شناسی

در این دو سه جلسه‌ای که محضر شما مطالبی تقدیم شد عرض شد که در گناهان و معصیت‌ها قانونی وجود دارد به عنوان ضمائم و چاشنی‌هایی که به گناه پیوند می‌خورد و آثار زیانبار گناه و عذاب گناه را افزایش می‌دهد این یک مقوله مهم در گناه‌شناسی است

در گناه‌شناسی همانطور که روز اول عرض کردم باید به این توجه داشته باشیم که منظومه و مجموعه‌ای از قوانین و قواعد در قرآن کریم و روایات مورد تأکید قرار گرفته است و از جمله آن‌ها این چاشنی‌های گناه است. ضمائم گناه و پیوست‌هایی که گناه را بدتر می‌کند و آلودگی گناه را افزایش می‌دهد، صغیره را به کبیره مبدل می‌کند و جای گناه را از رتبه‌ای به رتبه بدتر و مخرب‌تر تبدیل می‌کند این یک مقوله مهم در گناه‌شناسی است

اشاره شد که قریب بیست عامل و چاشنی و ضمیمه در روایات مورد تأکید قرار گرفته است به عنوان چاشنی‌ها و ضمائمی که گناه انسان را بدتر می‌کند و اینها همان اندازه که توجه به گناه دارای اهمیت است اینها هم دارای اهمیت است، چرا می‌گوییم برای اینکه رشد معنوی بکنید برای اینکه تعالی روحی را به دست بیاوریم، باید موانع این سیر و سلوک و رشد و اعتلا را بشناسیم این موانع عمدتاً گناهان است.

به همین اندازه باید توجه کرد که ضمائم و چاشنی‌ها چیست؟ این ضمائم و چاشنی‌ها گناه را بدتر می‌کند و البته در طرف طاعات و عبادات و مطلق طاعات این قصه تکرار می‌شود، آنجا هم ضمائم و پیوندهایی است که رتبه عبادت را از ده به صد می‌برد. فعلاً بحث ما در این ضمائم و چاشنی‌های گناه است که گناه را تخریب می‌کند و تخریب آن را شدید‌تر می‌کند.

قبل از پرداختن به نکات تکمیلی یادآوری می‌کنم که حداقل قریب ۴۰ روایت طبق آنچه که در منابعی که در عمدتاً عناوین و آدرس‌های آن را ذکر کردیم این مسئله مطرح شده است. هم در کتب دست اول و منابع نخستین، هم در منابع متاخر از بحار و وافی و وسائل الشیعه و کتابهایی که در دوره ما نوشته شده است این مبحث وجود دارد. البته در بعضی از این کتب عنوان یک بابی به این مسئله اختصاص داده شده است که غالباً این جور نیست در بحار هم عنوان مخصوص ندارد در همان باب ۱۳۱ این روایات در ذیل آن روایات آمده است ولی در وسائل کمی عنوان داده شده است توسط مرحوم حر عاملی در کتب اخلاقی هم اشاره کردم که گاهی به این پردخته‌اند البته خیلی محدود و جمع و جور است در حالی که این بحث جای بسط و توسعه دارد.

در اینجا قبل از اینکه به نکات تکمیلی این مبحث اشاره بکنم، مایلم به این نکته هم توجه کنیم که در مسئله تهذیب نفس و اصلاح اخلاق و پاکسازی درون مشربها و شیوه‌ها و طرق متفاوتی وجود دارد مرحوم علامه طباطبایی در المیزان در چند جا این را بحث کرده‌اند و دیگران هم بحث کرده‌اند در تاریخ حوزه‌های ما و جریانات اخلاقی ما مستحضرید که سبک‌ها و رویه‌ها و ممشا‌های مختلفی در توصیه‌های اخلاقی و راه و روش‌های اخلاقی وجود داشته است.

# بررسی نکات تکمیلی مهم

## نکته اول: معرفة النفس

یکی از نکات مهمی که در بعضی از مشرب‌های اخلاقی مورد تأکید بوده است معرفت النفس است. بحث معرفة النفس یک دنیای پیچیده‌ای است روایاتی هم که در باب معرفة النفس نقل شده است مستحضرید ده‌ها روایت شاید باشد به گمانم از صدتا می‌گذرد، روایاتی که مستقیم راجع به معرفة النفس سخن گفته است و اگر غیر مستقیم بخواهیم بگوییم دنیای وسیع‌تری از روایات و منابع داریم که به مقوله معرفة النفس ارجاع داده است

تهذیب نفس مهترین راهش این است که کسی بتواند کتاب جان خود را مطالعه کند دنیای درون خود را به دقت مورد ملاحظه و مطالعه قرا بدهد این کار بسیار مهم است و بعضی از بزرگان به این تأکید ویژه داشتند منت‌ها این ریشه در روایات دارد. منت‌ها این روایات معرفتی و اخلاقی ما مع الاسف به دلیل اینکه کمتر با یک روش اجتهادی و یک روش جامع و موشکافانه مورد بررسی دقیق قرار گرفته است اقیانوسی از معارف داریم که لابه لای این روایات گم هست، در حالی که اگر با آن دقت‌های فوق العاده‌ای که در جواهر و مفتاح الکرامه و مکاسب و سایر کتب در حوزه فقه و اصول داریم اگر به این معارف با همان نگاه اجتهادی بپردازیم ابوابی به روی بشر باز می‌شود و دنیاهایی جدیدی کشف می‌شود حتی بخشی از اینها در خود فقه تغییر و تحول ایجاد می‌کند

(حال چون جمع حوزوی و طلبگی است می‌گویم) در فقه موجود بین ۱۰ تا ۲۰ عرصه جدید می‌توان باز کرد بین ۱۰ تا بیست کتاب و باب نو، کاملا با منطق فقهی و روش اجتهادی اما ناظر به مسائل نو و جدید، حتی در مباحث اخلاقی و اجتماعی.

یک مسئله مهمی که بزرگان به آن اشاره می‌کردند و در روایات خیلی مورد توجه است با هما کد معرفة النفس، چون معرفة النفس معانی متعددی دارد یک بخش مهم آن این است که برای اینکه خود را بسازید قبل از این که به این رفتارها و مسائل شکلی و ظاهری نگاه کنید به عمق و ژرفای وجود خود مطالعه کن، مرحوم آقاسیدعلی آقای قاضی طباطبایی رضوان الله تعالی علیه که از اساتین معرفت و اخلاق بودند و ایشان جنبه فقهی بسیار قوی داشتند در تفسیر، در ادبیات عرف در فقه، در فلسفه، در کلام، دست بالایی داشتند و روشهای اخلاقی ایشان هم روش‌های منطبق با شریعت است و کاملا در چهارچوب شریعت است بر خلاف گاهی روش‌های ناروایی که وجود دارد ایشان در ممشای شریعت حرکت می‌کنند.

یک وقتی در سفری که مقام معظم رهبری حفظه الله به قم داشتند در یک یا چند سخنرانی به این سبک‌های اخلاقی و توصیه‌های این شکلی داشتند و در میان بزرگان اخلاق ایشان را چند بار نام بردند. هم در آن سفر و هم در برخی از سخنرانی‌های دیگرشان.

به هر حال ایشان چهره بسیار بزرگی بوده است که روش اخلاقی ایشان به مرحوم علامه طباطبایی و آقای بهجت و دیگران تسری پیدا کرده است و یک منظومه فکری است اخلاق و معرفت ایشان.

همه شاگردان ایشان می‌گویند وقتی روز اول خدمت ایشان می‌رسیدیم می‌گفت نفست را مطالعه کن، جانت را مطالعه کن. این دنیای پیچیده درونت را به مطالعه بنشین، خیلی جالب است در روایات ما می‌گوید معرفة النفس و محاسبة النفس، و عناوینی از این قبیل اشاره به این دارد که بشر را از غرق در بیرون بودن به عالم درون برگرداند و مطالعه بپردازد. جهت این روایات این است.

ما در چرخه زندگی هضم می‌شویم فرقی نمی‌کند هر کار و فعالیت که باشد و از آن دنیای درون غفلت می‌روزیم و از همان جا آسیب می‌خوریم برای اینکه همه ظاهر بر می‌گردد بنیانش به آن درون نهاده شده است آن درون را مدیریت کردن نیاز به مطالعه دارد. خود ایشان و مکرر بزرگانی که شاگرد ایشان بودند نقل می‌کنند می‌رفتیم و آنجا می‌نشستیم نیم ساعت یا سه ربع، فکر می‌کرد و گاهی شاگردانش می‌گویند فکر می‌کردیم ایشان ما را نیز مطالعه می‌کند این مطالعه درون و تمرکز بر این جهان پیچیده درون خیلی اهمیت دارد.

حالا جالب این است که این قصه در مشاربی از روانشناسی علوم جدید هم مورد توجه قرار گرفته است ما نحله‌هایی از این روانشناسی‌ها در علوم انسانی داریم که نحله‌های پوزیتویستی و ظاهرگراست ولی بعضی نحله‌ها نشان می‌دهد که این دنیای درون یک دنیای بی‌پایانی است ﴿**وَ فِیکَ انْطَوَی الْعَالَمُ الْأَکْبَر**[[1]](#footnote-1)﴾ جهان‌های لایه به لایه تو در تو و پیچیده درون این نفس است از خوبی و بدی.

حال سخن من این است که هر کسی که بخواهد به درجات عالی در کمال نفس و تهذیب اخلاق و تزکیه دست بیابد یک راه مهم آن معرفة النفس است مطالعه خودش هست محاسبه خودش است این محاسبه مبتنی بر آن مطالعه است.

این دنیای درون هم پیچیده است خیلی پیچیده، دیروز گفتم آیاتی که بر تصرفات شیطان در درون انسان اشاره کرده است صدها آیه است به گمانم حدود بیست کلید واژه اصلی از فعالیتهای شیطان در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. می‌گوید شیطان اینجوری می‌آید در دستگاه درون شما دستکاری می‌کند این کلمه تزیینی که در آیات شریفه آمده است، که شیطان تزیین می‌کند این همان تصرف درون انسان است در این فکر و عقل و فاهمه انسان تصرف می‌کند صورت‌ها را کج و معوج نشان می‌دهد معکوس نشان می‌دهد این موجب می‌شود انسان در مسیر خطا بیفتد این بازشناسی درون خیلی مهم است. گاهی انسان گمان می‌کند یک عملی را نصف شب انجام داد، تنها و هیچ کسی هم نبود و خالص، نماز شبی که حتی اهل خانه هم نفهمند و تنها خوانده و خالص است همانجا هم اگر کسی دقیق بشود می‌شود ده تا آفت پیدا کرد، این تزیین شیطان تسویل شیطان، آن تصرفاتی که قبل از اعمال در دستگاه ذهن و عقل و قلب و انگیزه ما انجام می‌دهد فوق العاده عجیب است کشف و فهم اینها کار همه نیست کسی که اهل سلوک و معنا بشود هر چه جلو برود آن ریزه کاری‌ها پیدا می‌کند ما در اولیات گیر هستیم.

این پیچیدگی درون اقتضاء می‌کند انسان واقعا روزی، دقایقی، ساعتی وقت بگذارد که درون خود را بشناسد، من چه کسی هستم و چه چیزی هستم، چه خبری در درون من هست، در دنیای من چه خبری هست.

این که چه خبری در درون من هست را به سادگی نمی‌شود فهمید، خیلی پیچ و خم و فراز و فرود دارد لایه به لایه سختی و دشواری دارد اگر کسی به آنجا رفت دنیاهایی را کشف می‌کند

مرحوم قاضی طباطبایی می‌فرماید اگر میدانستند ما در این خلوت و فکرمان چه لذتی داریم آن‌ها که اهل لذت دنیا هستند هرگز به سمت آن‌ها نمی‌رفتند منت‌ها کشف این لذت‌ها مشکل است و نیاز به یک مطالعه دقیق و مراقبه و محاسبه و صبوری و دقت دارد که کار همه نیست ولی یک قدری را همه باید اهل آن باشند این دنیای درون ماست

حالا در اولین عاملی که ما در چاشنی‌های گناه مورد بحث قرار دادیم عبارت بود از کوچک شمردن گناه، این یک پدیده درونی و قلبی است این مثال آن، که در عمل خود را نشان می‌دهد اولین و یکی از نخستین کارها که شیطان انجام می‌دهد این است که درون انسان پلشتی‌ها، زشتی ها، آلودگی ها، و معصیت‌ها را کوچکتر از واقعیت نشان می‌دهد

بعد خواهیم گفت این کوچک شماری جلو می‌رود و دیگر گاهی کوچک نمی‌شمارد ﴿**یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً**[[2]](#footnote-2)﴾ یعنی انقدر کوچک کرد گناه را که به جایی می‌رسد که گناه را بد نمی‌داند ﴿**ثُمَّ کانَ عاقِبَةَ الَّذینَ أَساؤُا السُّوای أَنْ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ**[[3]](#footnote-3)﴾ اینکه اولین عامل در چاشنی‌های گناه را استصغار قرار دادیم برای این که این یک عملیات روانی است آغاز خیلی از مفاسد است از جمله اینکه گناه را کم می‌شمارد و انجام می‌دهد و این موجب اصرار و تجاهر می‌شود موجب افتخار و رضایت می‌شود و تا جایی می‌رود که ﴿**یَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً**﴾ در گناه غرق است ولی فکر می‌کند خیلی خوب است می‌رود به سمت تکذیب و انکار که در این آیه شریفه آمده است.

اینها مراحلی است که از یک نقطه‌ای آغاز می‌شود و قدم به قدم و گام به گام انسان در این ریل شیطانی جلو می‌رود و یک وقتی دیگر راه برون رفتی وجود ندارد، غرق شد.

# نکته تکمیلی مهم: ارزیابی خود و دیگران

همینجا یک نکته تکمیلی عرض کنم که نکته خیلی مهمی است و آن این است که انسان حب ذات دارد و حب ذات لازمه وجود و حیات انسان است و مساوق با وجود انسان است هر هستی وقتی شعوری در آن به وجود بیاید حب ذات است و این لازمه کمال بشر است ولی همین منشأ لغزش‌ها هم می‌شود. ما در ارزیابی خودمان و دیگران، بیرون از خودمان یک قاعده چهارضلعی داریم، یک وقتی می‌خواهیم خودمان را ارزیابی و داوری بکنیم متر کنیم، یک وقت می‌خواهیم دیگری و رفیق را متر کنیم و داوری کنیم.

# قواعد ارزیابی خود و دیگران

کارهای خود من یا رفیق من یا خوب است یا بد است. اما ارزیابی ما چگونه است؟ اگر به حال خود رها باشیم و اهل دقت و تامل اخلاقی نباشیم ارزیابی ما به این شکل است که چهار تا قاعده دارد

۱- هنر و خوبی‌های خود را که می‌بیند بزرگتر از آن چیزی که هست می‌بیند، حب ذات می‌گوید این کاری را که من کردم خیلی کار مهمی است.

۲- بدی‌ها و عیب‌های خود را کوچک می‌بینیم و گاهی بالاتر و آن اینکه کارهای بد خود را هم خوب می‌بیند.

۲- همین که این دوربین را از خود برگرداندیم به سمت بیرون که رفیق را ارزیابی کنیم دقیقاً این قاعده معکوس می‌شود در بیرون هنرهای دیگری را نمی‌بیند و کوچک می‌بینم

۳- و خوبی‌های او را کم می‌شمارم و مهم نمی‌دانم

۴- و بدی‌های او را خیلی بزرگ می‌بینم.

این چهارتا داوری انسان است حب نفس و حب ذات اگر مدیریت نشود و در مسیر درست و صحیح قرار نگیرد و به حال طبیعی خود واسپار بشود نتیجه‌اش این است که انسان در ارزیابی خود خوبی‌های خود و اقدامی که کرده است و کمکی به کسی کرده است را می‌گوید شق القمر بود و این منشأ عجب و غرور و صدتا مصیبت اخلاقی می‌شود

یک زنجیره‌ای از مشکلات اخلاقی به این بر می‌گردد که خود را می‌بیند خوبی‌ها بر فرض که باشد مهم می‌دانم و این عجب و غرور و خودشیفتگی و… می‌شود

عیب‌های خود را که نگاه می‌کنم یا عیب‌ها دیده نمی‌شود یا اینکه کوچک و ریز دیده می‌شود این دوربین مادی تهذیب نشده روی خوبی‌ها می‌آید و همه را مانند ذره بین بزرگ می‌بیند بدی‌ها را کوچک و ذره و گاهی اصلا نمی‌بیند.

وقتی بیرون و دیگران را می‌خواهد ارزیابی کند خوبی‌ها را کم و دوربین او بدیهای دیگران را بزرگ نشان می‌دهد. اینکه روایت می‌فرماید ﴿**طُوبَی لِمَنْ شَغَلَهُ عَیْبُهُ عَنْ عُیُوبِ غَیْرِه**[[4]](#footnote-4)﴾ این که نمی‌خواهد بگوید امر به معروف و نهی از منکر نکن، دیگران را نقد درست نکن، فریاد امر به معروف را نکن، آن که جزو تعالیم اسلام است این بحث اخلاقی دارد می‌خواهد این دوربین‌ها را درست تنظیم کند می‌گوید دوربین‌های درونت که می‌خواهد خودت را ارزیابی کند دقت کن اگر به حال خود رها باشد کار خوب خود را بالا می‌بیند و کار بد را یا نمی‌بیند یا کوچک می‌بیند دیگری را که می‌خواهد ببیند کار خوب را یا نمی‌بیند یا کوچک می‌بیند و بد را بزرگ می‌بیند و این چهارتا داوری که ناشی از کج و معوج بودن دوربین‌های ماست دستگاه حس‌گر ما دستگاه‌های کنترل‌گر ما این جوری این چهار قلمرو را کم و زیاد می‌کند

اینجاست که می‌گوید مواظب عجب و غرور خود باش، ریشه همه آن‌ها این است که خود را درست ارزیابی کن. کار خوبی انجام می‌شود اگر من انجام بدهم این خیلی مهم است معجزه است و تحول است اگر این کار خوب را رفیق و همراه من انجام دهد کار مهمی نیست اگر خیلی خوب باشد می‌گوییم اینهم خوب است

در بدی، همه بدی‌های من توجیه دارد، کوچک شمردن گناه یکی از این چهار قاعده است هم قبل از عمل کوچک می‌شمارد و بعد از عمل توجیه می‌کند، بدی‌ها و کاستی‌های خود را توجیه می‌کند ولی اگر رفیق او یا همسر او بدی یا اشتباهی کند آن را خیلی برجسته می‌بیند حق و ناحق را قاتی کند آن را نمی‌بیند یا کم می‌بیند. این چهار چیز یادمان باشد.

یکی از نمودهای این مسئله کوچک شمردن گناه است، گناه خود را نمی‌بیند یا کوچک می‌بیند شوخی نبود این روایات که ﴿**لَا تَسْتَصْغِرُوا قَلِیلَ الْآثَام**[[5]](#footnote-5)﴾ عجیب‌تر این است که در آن روایت دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید ﴿**إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الْعَبْدَ أَنْ یَطْلُبَ إِلَیْهِ فِی الْجُرْمِ الْعَظِیمِ**[[6]](#footnote-6)﴾ اینکه گناه کرده است و بیاید تضرع و ابتهال کند برای توبه و بازگشت می‌گوید خدا این را دوست می‌دارد ولی ﴿**یُبْغِضُ الْعَبْدَ أَنْ یَسْتَخِفَّ بِالْجُرْمِ الْیَسِیر**[[7]](#footnote-7)﴾ ولی بنده که گناه کوچک را کوچک می‌شمارد آن را دوست ندارد آن کسی که گناه بزرگ انجام داده است ولی می‌فهمد خطا کرده است و می‌رود دنبال اصلاح آن، این را یُحِبُّ ولی آن کسی که گناه کم انجام داده است ولی دنبال اصلاح نیست، برای این که آن را کوچک می‌شمارد می‌گوید خدا این را دوست ندارد این را مبغوض می‌دارد.

این استصغار ذنب است و این اولین عامل مهم بود که سر چشمه خیلی از چیزها، این چهار قاعده بسیاری از مفاسد و مظال اخلاقی در زندگی ظاهری ما بر می‌گردد به این ارزیابی غلط ما بر اساس آن خودخواهی که داریم و همین منشأ افتادن در این وادی می‌شوی، آن وقت روایات می‌گویند وقتی کوچک شمردی، بدان این کوچک شمردن تو منشأ می‌شود که بروید دنبال تکرار و اصرار و انباشته شدن کوچک که بشمارید این نقطه شروع است و تو را می‌برد به یک وادی بی‌نهایت،

حقیقت ماه مبارک رمضان در ﴿**لَعَلَّکُمْ تَتَّقُون**[[8]](#footnote-8)﴾ این خویشتن بانی درونی این مدیریت جان است همه سال باید اینجور باشد ولی اگر رمضان ما یک رمضان این شکلی شد و نورانی به این انوار معرفت نفس شد آن وقت به تعبیر آن و فی هواکم رمضان عمره اگر کسی این رمضان پیدا کرد در عشق الهی همه عمرش رمضان می‌شود همه جا کنترل حاضر است

حقیقت رمضان آن کنترل است مع الاسف گاهی مثل نماز حالت روتین عادی پیدا می‌کند و عمق نمی‌تواند پیدا کند به آن شکل هم توصیه شده‌ایم ولی حقیقتش این است و یکی از مهمترین رهزن‌های بشر این ارزیابی‌های غلط و کوچک شمردن مفسده و آلودگی است به خاطر آن تصرفی که شیطان در مغز و جان ما می‌کند و توجیه‌هایی که خود ما می‌کنیم وقتی کوچک شمردیم دیگر دنبال اصلاح نمی‌رویم.

خدایا تو را به بزرگان و مقربان درگاهت به نورانیت این ماه تو را قسم می‌دهیم دست ما را بگیر و به این قله‌های بلند معرفت و خودسازی رهنمون شو…

1. - دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۱۷۵ [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره کهف، آیه ۱۰۴ [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره روم، آیه ۱۰ [↑](#footnote-ref-3)
4. - نهج البلاغه، ص ۷۵۵ [↑](#footnote-ref-4)
5. - خصال، ج ۲، ص ۶۱۶ [↑](#footnote-ref-5)
6. - کافی، ج ۲، ص ۴۲۷ [↑](#footnote-ref-6)
7. - همان [↑](#footnote-ref-7)
8. - سوره بقره، آیه ۱۸۳ [↑](#footnote-ref-8)